



بررسی نقش فضاهای شهری در ایجاد هویت شهرهای جدید

دکتر مهری اذانی

عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد^۱

صبح‌الخیر حاج نییان

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

زهره مهدی زاده^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

چکیده:

شهرها متشکل از عناصر و اجزاء و فضاها و عملکردها به عنوان بزرگترین مجموعه آثار انسانی بر کره زمین هستند. امروزه با افزایش جمعیت شهرهای بزرگ و بروز مشکلات و معضلات ناشی از کمبود فضا در این شهرها، کارشناسان و متخصصین شهرسازی به فکر ایجاد شهرهای جدید برای اسکان سرریز جمعیت شهرها و کاهش مشکلات آن افتاده‌اند. اما متأسفانه این شهرسازان به یک مسأله اساسی یعنی ساکنین شهرها و ایجاد هویت که باعث ماندگاری و حس تعلق در آن می‌شود توجه نکرده و با ایجاد محیط مصنوع و تقلید از «قواعد زیبا شناسی» دیگران زمینه‌ساز از خودبیگانگی و بحران هویت شده‌اند. این امر اسکان در شهرهای جدید را با مشکلاتی مواجه کرده خصوصاً در ایران برنامه اسکان جمعیت در شهرهای جدید طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده، انجام نشده است و مردم تمایلی برای اسکان در آن جز از روی ناچاری ندارند. امروزه این شهرها به محیط‌های خوابگاهی و فارغ از هرگونه تعاملات اجتماعی و عملکردی تبدیل شده‌اند. شهرهای جدید نه تنها نتوانستند سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ یا مادر شهرها را به خود جذب کنند، بلکه به علت نداشتن هویت و عملکرد تعریف شده‌ای از جذب مهاجرین نیز بازماندند. هدف از این مقاله ارائه راهکارهایی برای پویا کردن فضاهای شهری جدید و جذب بیشتر جمعیت در آن، و ایجاد محیطی که مردم در آن احساس تعلق، آرامش و امنیت نمایند، می‌باشد. در این مقاله از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده و جمع آوری اطلاعات به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به پویا کردن فضاهای عمومی در جهت تقویت روابط اجتماعی - حفظ ویژگی‌های طبیعی شهر و تقویت تأثیرات آن‌ها در ساختار کالبدی شهر و ایجاد هویت در شهر جدید - تغییر طرح‌های شهری برای نزدیک کردن مردم و افزایش تعاملات و برخورد آنها در شهر است.

واژه‌های کلیدی:

شهر، فضای شهری، شهرهای جدید، هویت، طرح‌های شهری

مقدمه

شهرهای جدید در نظام‌های اجتماعی - اقتصادی جهان بسیار دگرگون

شده‌اند و هنوز تعریف جامعی از آن به عمل نیامده است. شهر جدید، اجتماع‌های برنامه‌ریزی شده‌ای است که در پاسخ به اهداف از پیش تعیین شده ایجاد می‌شود (زیاری، ۱۳۸۳: ۵). شهرهای جدید در ایران، هم پیش از انقلاب و هم پس از انقلاب طراحی واحداث شده‌اند. پس از انقلاب بعضی از آن‌ها به مثابه راهبرد اصلی توسعه شهری در دستور کار وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفتند. اینگونه شهرها به مثابه شهرهای اقماری و برای جذب سرریزهای جمعیتی مادر شهرها و ساماندهی فضایی آن‌ها و ناحیه شهر مکان‌یابی شدند. همچنین اینگونه شهرها بیشتر برای ایجاد اشتغال و عملکرد اقتصادی و اغلب در نواحی صنعتی طراحی شده‌اند تا بیشتر ساکنان آن‌ها ناگزیر به خروج از این شهرها شوند. در حال حاضر اینگونه شهرها دارای مطالعات راهبردی و طرح توسعه و عمران هستند و طرح آماده‌سازی اراضی و طرح تفصیلی آن‌ها هم انجام شده و یا در حال انجام است (همان منبع: ۱۷۸).

در عصر معاصر، معماری و شهرسازی تحت تأثیر انقلاب صنعتی دچار تحولات گسترده‌ای شد. تکنولوژی جدید معماری و شهرسازی را آنچنان دچار تغییرات بنیادی کرد که در بسیاری از موارد دیگر بدون توجه به فرهنگ و شیوه‌های زندگی مردم اجرا گردیده بخصوص در شهرهای جدید ایران که بیشتر نقش خوابگاهی به خود گرفته است خشک و بی‌روح جلوه می‌کند. ساکنین این شهرها که اغلب دارای فرهنگ‌های متفاوت از یکدیگر هستند را دچار بی‌هویتی کرده است (ایرانمنش، ۱۳۸۵: ۴۶). از آنجا که شهرهای جدید قدمت چندانی ندارند و اغلب ساکنانش در جای دیگر متولد شده‌اند، لذا ریشه خود را در جای دیگر جستجو می‌کنند. بنابراین ایجاد فضاهای جدید در شهرها با توجه به سلاقی و علائق به طور کلی با توجه به فرهنگ غالب مردمی که در این شهرها زندگی می‌کنند در ایجاد هویت بخشی شهر بسیار مؤثر می‌باشد. اگرچه ساخت ترکیبی از فرهنگ‌های گوناگون سخت می‌باشد اما تحقق آن به میزان کم نیز بهتر از ایجاد فضاهای خشک و بی‌روح است که توجهی به انسان به عنوان یک عامل اصلی در آن نمی‌شود.

امروزه همه از شهرنشینی به مثابه پدیده‌ای ناخوشایند یاد می‌کنند. اما تحلیلی دقیق از ویژگی‌ها و ساختار زندگی شهری، روشن خواهد کرد که شهرنشینی به خودی خود ناخوشایند و نامطلوب نیست. بلکه آنچه بسیاری از شهرهای امروزی را ناخوشایند کرده، عدم توجه به ماهیت حقیقی شهر



شده و به کار رفته‌اند (میرمقناتی، طالبی، ۱۳۸۵: ۱۰). هویت، (یعنی این که ما از نظر شخصی و جمعی کیستیم) موضوعاتی از پیش موجود نیست که فقط نیازمند کشف و پرده برداری باشد بلکه برنامه‌های خودشناسانه ایجاد خویشتن است (ناجیخ، ۱۳۸۷: ۲۹). در فلسفه (هویت عبارت از حقیقت جزئی است) هرگاه ماهیت با تشخص لحاظ و اعتبار شود، هویت گویند و گاه هویت به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است (معین، ۱۳۷۵: ج ۴). فرهنگ عمید هویت را به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات وهستی و وجود، منسوب به او می‌داند (عمید، ۱۳۷۳: ۱۰).

هویت کالبدی:

به معنای صفات و خصوصیتی است که جسم شهر را از غیرشهر متمایز کرده و شباهتش را با خود شهر آشکار می‌کند این صفات باید به گونه‌ای باشند که جسم شهر، در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود (میرمقناتی، طالبی، ۱۳۸۵: ۲۴). معیارهای ارزیابی هویت کالبدی شامل: تمایز از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول، حفظ وحدت در عین کثرت. از میان سه معیار مذکور تمایز از غیر تشابه با خودی از همه مهم‌تر بوده و اصل زیر بنایی محسوب می‌شود. دو معیار بعدی، اجزا و زیر مجموعه آن محسوب شده و تابع هستند (همان منبع: ۲۵).

فضای عمومی:

فضای عمومی را می‌توان به مشابه فضایی تعریف کرد که اجازه می‌دهد مردم به آن دسترسی داشته باشند و فعالیت‌ها در آن صورت پذیرد. فضایی است که سازمان عمومی آن را کنترل می‌کند و فضایی است که در جهت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود. فضا به شدت واقعه و تأثیر آن مملو از صورت متفاوت جزئیاتی می‌گردد که در زمان واقعه به صورت مادی فضا را می‌ساخته‌اند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

حس مکان:

حس مکان، این اصطلاح ترجمه مدرن عبارت لاتین روح محافظ مکان است. از نظر تاریخی این اصطلاح به مکان ملموس اشاره ندارد. روح مکان یا منحصر به فرد بودن منظر یا فضا با حضور یا محافظت یک موجود ماورای طبیعی تعریف می‌شود. ساکنان و بازدیدکنندگان آن مکان از حضور این موجود آگاه بوده‌اند. برای آن احترام قائل بودند و به طور منظم آن را تکریم می‌کرده‌اند.

حس مکان نیز مانند هویت از دو طریق قابل مطالعه است. بررسی حس مردم از مکان و یا برداشت خصوصیات کالبدی ویژه و خاص مکان، حس مردم از مکان، ناشی از تجربه حضور و ارتباط با ابعاد گوناگون حسی و جنبه‌های تاریخی و گذشته آن است. شیوه دوم، امروزه در طرح‌های شهری که به منظور جلب توریست تهیه می‌شود؛ در این رویکرد، جغرافیا، شکل زمین، سبک معماری، رنگ‌ها و سایر خصوصیات بصری مورد توجه قرار می‌گیرند (میرمقناتی، طالبی، ۱۳۸۵: ۱۳).

و شهرنشینی است. چرا شهرهای قدیمی با گذشت زمان جذابیت خود را از دست نداده‌اند بلکه با گسترش روز افزون زندگی مدرن، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند. این امر در سایه اصول و اندیشه‌هایی است که در خلق آن به کار گرفته شده است (تیلندر، ۲۰۱۳: ۲۰). در اینجا اهمیت وظیفه شهر سازان مشخص می‌گردد. تنها وظیفه شهرسازان این نیست که انسان‌ها را در فضای اجتماعی و سه بعدی شهر کنار هم اسکان بدهند بدیهی است که شهر به وسیله انسان و برای انسان ساخته می‌شود. نیمرخ شهر - رنگ‌های حاکم بر شهر - مقیاس و عظمت شهر، سنگ‌های محیط پیرامون شهر - نوع فعالیت و زندگی گذشته و حال شهر، عدد جمعیت و سایر ویژگی‌های آن از عوامل سازنده شخصیت جغرافیایی شهر هستند (فرید، ۱۳۸۲: ۲۰). فضاهای شهری در شهرهای جدید اثر مثبت و مستقیمی بر همستگی اجتماعی و تولید خاطرات در محیط جمعی دارد. فضاهای فرهنگی - تراکم فرهنگی و خلاصه هرچه جمعیت را به هم پیوند می‌دهد، در این مقوله دارای اهمیت است. در زمان حاضر علت اصلی شکل‌گیری شهرهای جدید اسکان سرریز رشد جمعیت شهرهای بزرگ است. هدف اسکان در شهرهای جدید نباید صرفاً به جنبه‌های فیزیکی زیستی انسان تنزل پیدا کند. بهترین شهر، شهری است که به مردم و ساکنان آن که می‌خواهند در آنجا زندگی کنند و تمام روز خود را در آنجا سپری کنند آرامش بخشد. نه خوابگاهی برای اهالی که از روی اجبار و فشار اقتصادی در آنجا سکنی گزیده‌اند و از این رو اهمیت پرداختن به فضاهای شهری به عنوان مکان ظهور حوادث و محل برخورد نزدیک و گرم ساکنان برای انباشت خاطرات جمعی در طراحی شهری مشخص می‌گردد. نادیده گرفتن فضاهای شهری در طراحی عرصه‌های عمومی شهر از جمله خیابان که باید پیونددهنده عناصر پیوسته تعریف شده فضاهای شهر باشد حضور اجتماعات در شهرهای جدید را از دست می‌دهد. چرا که اجتماع عمومی هنگامی ایجاد می‌شود که اشخاص خصوصی در کنار هم جمع شوند و به گفت‌وگو و مکالمه با هم بپردازند (باقری بهشتی، ۱۳۸۵: ۶۱).

بحث

تعاریف و مفاهیم شهرهای جدید:

شهرهای جدید در ایران را تقدم شهرسازی بر شهرنشینی دانسته‌اند (حائری، ۱۳۷۱: ۲۰). و در تعریف آن گفته شده است: شهر جدید شهری است که از نظر اشتغال و خدمات تا حد امکان خود کفا بوده و به شهر مادر وابستگی نداشته باشد (اعتماد، ۱۳۸۰: ۴۲).

هویت:

هویت، مقوله‌ای هنجاری است که بحث در مورد آن مستلزم ارزش گذاری و موضع‌گیری هنجاری است. در بسیاری از متون تخصصی و پژوهش‌ها مطالعه هویت در محیط مصنوع با توجه به نظریه‌های ادراک محیط و علوم رفتاری انجام شده است. هویت، به معنای احساس تعلق و اینهمانی با محیط در نظر گرفته شده است و در معیارهای چون احساس امنیت، خاطره‌انگیزی - حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی تدوین



نکاتی پیرامون طرح‌های نو شهرها:

امروزه شهرهای این مرز و بوم کهن با مسائل و مشکلات بسیاری همچون آشنفگی‌های بصری، سیمای ناموزون، عدم برخورداری از فضاهای شهری متناسب با فرهنگ و هویت ملی و در یک کلام با بحران هویت مواجه‌اند.

«هویت» یک پدیده، امری انتزاعی و منفک از شهر و با موضوعات عدیده‌ای از جمله: با اهل شهر، با باورها و اعتقاداتشان، با شیوه زیست مردم، با نوع ارتباطاتشان با سایر جوامع، با آرمان‌ها و الگوی زندگی‌شان، با رفتار و فرهنگشان، با نوع فکر و جهان‌بینی‌شان و با بسیاری موضوعات دیگر مرتبط غیرقابل تفکیک است. به این ترتیب مردم نمی‌توانند به شیوه‌هایی زندگی کنند و توقع داشته باشند شهر و متعلقاتشان هویتی متمایز با هویت آن شیوه زیست یا هویتی متمایز با هویت فضایی که برای آن شیوه زیست مناسب است را داشته باشد. طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهری نیز نمی‌توانند بر پایه مبانی نظری بیگانه، طرح و برنامه تهیه کنند و مردم را به آن شیوه فراخوانند و در عین حال توقع داشته باشند که هویت زیبای ایرانی و اسلامی داشته باشد (تقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸). احداث شهرهای جدید در کشور را باید تصمیمی عجولانه و با پشتوانه کارشناسی ضعیف ارزیابی کرد؛ چرا که بر خلاف تمامی توصیه‌هایی که در زمینه‌های مختلف مکان‌یابی، اجرایی... صورت گرفته بود، وزارت مسکن و شهرسازی متناسب با امکانات خود آن را پیش می‌برد (ره‌نمای؛ شاه حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱۶). در طرح‌هایی که تاکنون برای شهرهای ایران تهیه شده نظر طراحان، بیشتر به شبکه‌بندی راه‌ها و تعیین کاربری‌ها و تراکم‌ها معطوف بوده است و عنایتی به معماری و طراحی شهری نشده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳: ۳۵۰). ظاهراً شهرهای جدید بدون توجه به شرایط جغرافیایی و محیطی مورد نیاز، عموماً در مکان‌هایی ساخته شده‌اند که امکان تملک زمین، بیشتر بوده و شهرهای جدید در ایران به منزله یک ظرف برای مظلوف یا ساکنانی ساخته شده‌اند که از خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها هیچ‌گونه اطلاعی در دست نبوده است (ره‌نمای؛ شاه حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). جنبش‌های اخیر معماری در جهت «تقلید نکردن» است و در جهت یافتن عناصر، جزئیات، مصالح، رنگ‌ها و سمبل‌هایی است که به معماری آن منطقه هویت خاصی بخشد و ما یک فرهنگ غنی معماری در پیش رو داریم که جای طفره رفتن برایمان نمی‌گذارد. بخصوص در آن جا که به مسکن مربوط می‌شود (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳: ۲۴۹).

معماری و شهر به دلیل این که ظرف فعالیت‌ها و حیات و زندگی جامعه هستند، بیشترین ارتباط را با انسان برقرار نموده و جسم و ذهن او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. محیط و فضای زندگی، ضمن احراز هویتی خاص، ویژگی‌های هویتی خویش را نیز به انسان القاء و تفویض می‌کند. معماری و شهر، تجلی هویت یک تمدن و فرهنگ هستند. همانگونه که زیبایی‌ها و تناسب‌ها و هماهنگی‌ها و ریتم و آرامش و نظم عدالت و وحدت آن‌ها به تعادل روحی انسان کمک می‌نمایند و پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و مادی انسان را تسهیل می‌کنند زشتی‌ها و آلودگی‌ها و بی‌نظمی‌ها و عدم تناسب‌ها و خروج از تعادل‌ها و ناهماهنگی‌ها نیز سبب خواهند شد که انسان از تعادل و آرامش خارج شود (تقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷).

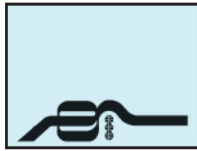
حال باید دید آیا در شهرهای جدید ایجاد شده در ایران چنین آرامشی

موجب هویت‌مندی شده است؟ در زمان حاضر شهرهای جدید عمدتاً نقش خوابگاهی دارند. این نکته خود معضل عمده‌ای است که در روحیه شهر و عملکرد صحیح آن تأثیر مستقیم دارد. شهرها باید دارای امکاناتی باشند که در مواقع خاص به منظور تفریح، خرید و سایر نیازهای انسانی ایفای نقش کنند و با وجود این گره‌ها، جمعیت ساکن در محیط زیست به ایجاد ارتباطات متقابل با دیگر ساکنان می‌پردازد و این خود با گذر زمان سبب وابستگی به محیط و ایجاد خاطرات ذهنی در شهروندان خواهد شد. اصولاً آنچه که در روند شکل‌گیری شهرهای جدید بیشتر مورد توجه قرار گرفته، یافتن الگوی مطلوب طراحی و الگوهای بهینه ساخت و ساز و توجه اقتصادی طرح بوده است. در میان اهداف کالبدی طراحی شهری اکثراً به حفظ هویت و تأمین سیمای مناسب شهری و ایجاد مسیرهای پیاده فرح بخش اشاره شده است. نظریه‌پردازان متأخری که دیدگاه اجتماعی - فضایی و فلسفی درباره شهر دارند، می‌گویند که شیوه‌های متعارف مفهوم‌پردازی فضا دیگر مناسب نیست. مهم‌ترین مسئله در این مورد تضعیف فضاهای فیزیکی محدود محلات یا مناطق به منزله مقیاس اصلی درک هویت فردی و گروهی است که نقطه حرکت سنت پژوهش‌های محله‌ای است. امروزه محدوده محله، فقط یکی از طیف‌های گسترده فضاهایی است که هویت محله را تشکیل می‌دهد. این مفهوم کالبدی که میراث شرایط اجتماعی فضای گسترش صنعت و شهرنشینی در اروپا و امریکای شمالی قرن نوزدهم است که در آن محلات صنعتگران و طبقه کارگر حد و مرز فضایی و اجتماعی محدود داشتند، دیگر برای توضیح فضاهای هویت یا قدرت مناسب نیست (تاج‌بخش، ۱۳۸۶: ۳۳). خانه‌ها، خیابان‌ها، محلات، محل‌های کار و پلاک‌های کار و پارک‌های عمومی شهر فضاهای روزمره‌ای هستند که مردم در آن‌ها دنیا را تجربه می‌کنند. مردم به گونه‌ای ملموس با بهره‌برداری از این فضاها، مسائل انتزاعی، مدرنیته سرمایه‌داری را تجربه می‌کنند. یک فضای شهری به واسطه تمایز فضایی بایستی قابل درک باشد و همچنین دارای عینیت عملکردی و دسترسی برای رهگذران باشد. نمایانی فضای شهری از میان مسیرهای عبوری پیاده مجاور ضروری است. یکی از مرزهای موفقیت فضای شهر این است که ترجیحاً دو طرف فضای شهری دعوت‌گر بینندگان به درون فضای داخلی باشند (تفهیمی، ۱۳۸۷: ۳۵). در شهرهای جدید پدیده‌هایی چون (NGO) و مشارکت شهروندان ابتدایی این شهرها و ایده‌هایی که یک متخصص طراحی شهری در مورد ایجاد چنین شهرهایی می‌دهد، می‌تواند در این زمینه نقش مؤثری ایفا کند. از نمونه‌هایی که می‌تواند در این شهرها مشابه به دیگر شهرهای قدیمی وجود داشته باشد، مراسم آئینی و مذهبی بوده که در ایجاد خاطرات جمعی و احساس تعلق مفید است. در برگزاری این آئین‌ها در شهر دو پیامد اقتصادی مهم وجود دارد:

۱- کاهش هزینه‌های خدماتی از طریق ایجاد حس تعلق خاطر به شهر و در نتیجه افزایش مشارکت شهروندان در تأمین یا کاهش هزینه‌های خدماتی.

۲- افزایش درآمد از طریق جذب گردشگر و سرمایه‌گذار.

و نتیجه کلی این که اگر بخواهیم در شهرهای جدید هویت و خاطره‌جمعی داشته باشیم و خاطرات جمعی را در شهرهای قدیمی از یاد رفته ندانیم احتیاج به وجود فضایی همچون فضای جامع برای شهرهای خود داریم تا



کوچه‌ها، می‌توان محیط پیاپی، با مقیاس انسانی نسبتاً جذاب به وجود آورد و بلوک‌های ساختمانی بخش‌های مرکزی شهر باید به نفع عموم به این امر اختصاص یابد (حمیدی نژاد، ۱۳۷۲: ۵۷). عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی، بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهر را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند در برمی‌گیرد.

«جین جاکوبز»^۹ برای ایجاد تنوع پویا و خوشایند در خیابان‌ها یا محله‌های یک شهر چهار شرط را در نظر گرفته است: هر محله و تا حد امکان بیشتر اجزاء داخلی آن باید بتواند در خدمت بیش از یک کاربری و ترجیحاً دو کاربری باشد.

بیشتر بلوک‌های ساختمانی باید کوچک باشد، یعنی تعداد خیابان‌ها و دور برگردان (تقاطع‌ها) زیاد باشد.

هر محله باید ساختمان‌هایی را که از نظر قدمت و موقعیت متفاوتند، با هم ترکیب کند، به طوری که بیشترین قسمت به ساختمان‌های قدیمی با بازده اقتصادی متنوع اختصاص یابد. این ادغام باید در قالب بافتی مترکم انجام گیرد. باید تمرکز به هر دلیلی که در آنجا حضور دارند به حد کافی وجود داشته باشد. این موضوع شامل مردم ساکن در آنجا می‌شود (همان منبع: ۵۷).

عملکرد:

یکی از عوامل معرف هویت فضاهای شهری عملکرد آن‌ها است که نتیجه آن به عنوان هویت عملکردی فضا یا عناصر شهری ظاهر می‌شود در تعریف هویت عملکردی فضاهای شهری، شهرهای ایرانی علاوه بر عملکرد اصلی (مذهب، تجارت، ورزش و اسباب‌گردی) توجه به ویژگی‌های بارز هر یک از این عملکردها در فرهنگ ایرانی و همچنین سایر فرم‌ها و ارزش‌های فرهنگی که به نحوی در زندگی جمعی ایرانی ایفای نقش می‌نمایند، ضرورت دارد (تقی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۱). در گذشته آنانی که در فضاهای شهری به همراه یکدیگر به فعالیت می‌پرداختند معمولاً یکدیگر را می‌شناختند. در حالی که امروزه در بسیاری موارد چنین نیست، البته این طبیعت دوران مدرن است که با گسترش شهرها آشنائی‌ها تقلیل یافته است.

مالکیت:

مالکیت، از جمله مواردی است که در ایجاد حس تعلق نقش مهمی دارد. انسان موجودی دارای قلمرو است. به این مفهوم که از فضا برای برقراری ارتباط شخصی و احقاق حق بر قلمرو و همچنین حفظ منابع استفاده می‌کند. مردم این نظارت‌ها را بر قطعات زمین و همین‌طور برداشته‌هایی که همراه شخص است اعمال می‌کنند. مالکیت نوعی قرارداد انسانی است که بر طبق آن نظارت فعلی را که برای مقاصد انسانی کافی به نظر می‌رسد بین مردم حاضر تخصیص می‌دهند (لیچ، ۱۳۷۶: ۲۰).

مسافت:

مسأله بعدی که در احراز هویت می‌تواند دارای نقش باشد، مسأله مسافت می‌باشد. انسان در تعاملات اجتماعی با دیگران تکامل می‌یابد. افزایش روابط اجتماعی باعث پویایی و سرزندگی شهرها می‌شود. کالبد شهر باید این

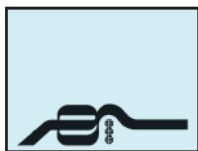
بتواند پتانسیل ایجاد این خاطره‌ها و در نتیجه هویت را داشته باشند. جایگاه این فضاها در معماری روز دنیا از دو بابت تأمین می‌شوند:

۱- اینکه فضای جامع قدیمی بوده‌اند که این روزها دوباره با تغییر کاربری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. می‌توان از نمونه‌های آن از میدان شیب‌دار «سینا» نام برد که می‌توان تا نزدیکی آن با ماشین حرکت کرد و اطراف آن مراکز تفریحی - تجاری شکل گرفته‌اند و مردم از آن‌ها استفاده می‌کنند. در ضمن ساخت و ساز اضافی و بدون منظوره از جانب شهرداری آن مناطق مردود است و دسترسی مترو به این فضا به راحتی امکان‌پذیر است.

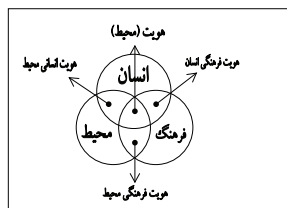


نگاره‌های ۲ و ۱: میدان سینا - شهر سینا - مرجع سفر دانشجویی، عکس مهندس مهربانی گلزار

۲- فضاهایی که توسط معماران امروز به شهرها اضافه می‌شود و علت آن نیز احساس نیاز معماران و شهرسازان نسبت به این فضاها است. به عنوان مثال «رنزو پاینو» نیمی از زمین موردنظر را در بنای ژرژ پمپیدو زیرساخت قرار نداده و به صورت الهام گرفته از همان میدان «سینا» یک شیب ملایم در این میدان با سنگ فرش قابل نشستن در نظر گرفته شده است.^۹ باید توجه داشت که جمعیتی که به نوشهرها می‌آیند بی تاریخ و بدون فرهنگ نیستند. همین موضوع اگر به صورت آگاهانه مورد بهره‌برداری قرارگیرد فرایند هویت یابی را تسهیل می‌نماید و این امر مستلزم صرف زمان می‌باشد. خارج کردن شهرهای جدید از نقش خوابگاهی آن‌ها و دادن نقشی مرکزی (مانند تفریحی-درمانی-ورزشی) باعث توجه بیشتر به آن در هویت بخشی تأثیرگذار آن است. در مجموع امروزه شهرهای ما خصوصاً شهرهای جدید با فقدان فضاهای دل‌نشین و خودمانی در محله مواجه‌اند و در واقع بافت مسکونی‌ای شکل گرفته که در آن‌ها حداقل‌های زیست مهیا است که منجر به کم‌رنگ شدن حس تعلق شده اصل گسترش این رفتارها-روحیه انزواطلبی از خودبیگانگی و عدم تعلق افراد است. مرکز شهر یا محیط شهری در سایه‌ی فعالیت‌ها و کاربری ساختمان‌هایی که فضای خیابان‌ها را تعریف می‌کنند، حیات می‌یابد. براین اساس، نماها و فعالیت‌های واقع در خیابان، نزدیک به سطح چشم، از اهمیت خاصی برخوردارند. یک طرح باید بتواند کاربری ساختمان مجاور و چگونگی راه‌یابی و ورود به آن را نشان دهد. پر واضح است که خرید عملکردی است که در سطح پیاده رو انجام می‌گیرد. در صورت ترکیب این عملکرد با طاقک‌ها، راهروها و



وسعی بر زندگی و شیوه زیست و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و بالتجیه بر فرهنگ جامعه دارد (تقی زاده، ۱۳۸۱: ۳۳۱).



نمودار (۱): ارتباطات فرهنگ، انسان و محیط در هویت‌های مختلف (مأخذ: تیالدر، ۲۰۱۳: ۴)

ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تعریف فضاهای شهری می‌باشند که در هویت بخشی آن تأثیرگذار می‌باشد و هویت فرهنگی انسان و محیط را ایجاد می‌کند (نمودار شماره ۱). این هویت بخشی می‌تواند در موارد زیر تجلی یابد:

- اعیاد و جشن‌های مردم به صورتی برگزار شود که برخورد و تعامل بین آن‌ها بیشتر گردد.

- برخی اعیاد مذهبی شامل عید فطر - قربان با برگزاری نماز در مساجد و مراکز تعامل اجتماعی را افزایش می‌دهد.

برخی اعیاد و جشن‌های ملی مثل نوروز، با دید و بازدید در منازل بر پا می‌گردد و بازی‌ها و مراسم خاص مثل سیزده بدر، چهارشنبه سوری در فضای خصوصی - نیمه خصوصی، نیمه عمومی بین عده‌ای که به نحوی با یکدیگر آشنا شده و تعاملات بیشتری برقرار می‌نمایند صورت می‌گیرد. اما متأسفانه مشاهده می‌شود به علت کمبود این مراکز تفریحی و استقرار نامناسب این مراکز تمایل مردم برای استفاده از آن در روزها و اعیاد تعطیل کمتر می‌باشد و مردم ترجیح می‌دهند به جای گذران این موارد در شهر به خارج از شهر و به سکونتگاه‌های بومی اطراف سفر نمایند.

- استفاده صحیح از محیط پارک‌ها و به عنوان محلی برای کسب آرامش می‌تواند در نزدیک کردن مردم نوشهرها بسیار تأثیرگذار باشد زیرا بی‌هویتی را می‌توان نشانی از عوامل زیر دانست:

۱- فقدان تنوع، کارکردی اجتماعی-قومی و فرهنگی ۲- فقدان یا کمبود آثار انسان ساخت چشم‌انداز ۳- محدودیت یا فقدان چشم‌انداز طبیعی ۴- محدودیت فضاهای جمعی و لذا کاهش کنش و واکنش‌های اجتماعی و فرهنگی ۵- خوابگاهی باقی ماندن مکان زندگی ۶- پایین بودن میزان همبستگی اجتماعی فراتر از همبستگی‌های خونی و قومی (پیران، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

ساختمان‌های موجود در شهرها و محیط‌های شهری موفق دارای نوعی ثبات در طراحی و مصالح هستند و تنوع تنها از طریق به کارگیری شمار محدودی از روش‌های دیگر به دست آمده است. شهرهای موفق و جذاب، علاوه بر دارا بودن کیفیت‌های فیزیکی از تنوع خاصی نیز در ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها در تمام بخش‌ها برخوردارند. پویایی چنین شهرهایی به خاطر آزادی انتخاب، آزادی برای زندگی، کار- تفریح، خرید و حتی خلوت در هر گوشه‌ای از شهر است. (تیالدر، ۲۰۱۳: ۴) اگر شهرهای جدید در برنامه‌ریزی و مدیریت‌های شهری با توجه به این موارد خلق و ایجاد گردند می‌توانند به صورت فضاهایی مطلوب در هویت بخشی خود موفق‌تر عمل نمایند.

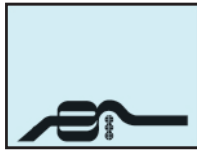
نتیجه‌گیری و راهکارها

- تکه تکه بودن و پارگی با ذات هویت در تناقص است. هویت از یک

امکان را برای افزایش تعاملات به وجود آورد. یکی از مسائل قابل توجه در این زمینه دسترسی‌های انسان به صورت پیاده می‌باشد اگر فضای شهر به گونه‌ای طراحی شود که برای تهیه احتیاجات ساکنین ناچار به پیمودن مسافت بسیار زیاد شود، این امر خود مستلزم استفاده از اتومبیل شخصی یا وسایل نقلیه عمومی است. که این امر باعث افزایش آلودگی - کاهش ایمنی و سلامت شهروندی و برخورد‌های رودررو را در محلات کاهش داده و این کاهش برخورد‌ها و تعاملات عاملی بر عدم دستیابی به هویت در شهر خواهد شد. به طور یقین شهرهای ایجاد شده قبل از انقلاب صنعتی و ظهور و تسلط اتومبیل بیشتر مقیاس انسانی داشته و به عبارتی دیگر شهر انسان‌گرا بودند. اما متأسفانه در بسیاری از طرح‌های شهرسازی و حمل و نقل مربوط به سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ و با توجه به حاکمیت اتومبیل بر شهرها یکی از عناصر اصلی در حمل و نقل یعنی عابر پیاده به انسانی فراموش شده است. برای رفع این نقیصه باید توجهی بیشتر به فضاهای عمومی و باز همانند خدمات و تسهیلات در مرکز محله و بخش‌های فشرده شود تا امکان دسترسی از طریق پیاده، دو چرخه و یا سفرهای کوتاه حمل و نقل عمومی فراهم گردد. متأسفانه در طراحی شهرهای جدید به این نکات توجه نگردیده و فقدان امکانات مورد نیاز سبب تردد آونگی در جهت برآورد نیازهای ساکنین شده است. در طراحی شهرهای جدید بیشتر ملاحظات مدیریتی مورد توجه قرار گرفته تا مسائلی همچون ایمنی، آسایش، دسترسی... (معمینی، ۱۳۷۹: ۵). در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بسیاری از شهرها و محیط‌های شهری در سراسر جهان شاهد تغییراتی در مقیاس پیش‌بینی نشده بودند که با عناوینی چون توسعه‌ی شهری یا احداث بزرگراه انجام می‌شد. بدون شک، این اقدامات نتایج اقتصادی خوبی را در برداشت و میزان دسترسی وسایل نقلیه موتوری را افزایش داد. ولی ارمغان دیگر آن، خلق محیط‌هایی بود که از نظر کالبدی فاقد مفاهیمی بود که مردم آرزوی داشتن آن را در سر می‌پروراندند. بخش اعظم مشکلات مذکور، از فقدان مقیاس یا بافت شهری سرچشمه می‌گیرد. طرحی که در بیست سی سال گذشته با نام طرح جامع متداول شده بود، در بیشتر موارد منجر به تخریب فرم موفق و صمیمی شهری شده نتایجی به بار آورده است که به هیچ وجه رضایت بخش نیست. این طرح‌ها مکان‌هایی پدید آوردند که به ندرت می‌توانند در زمره مکان‌های پر جاذبه قرار گیرند و به رسمیت شناخته شوند. (تیالدر، ۲۰۱۳: ۳۰)

فرهنگ:

فرهنگ یک جامعه نیز از مهم‌ترین منابع اصول و ارزش‌هایی است که ملاک عمل پدیدآورندگان آثار انسانی (عالمان و هنرمندان) می‌باشد. این اصول و ارزش‌ها به انحاء مختلف عوامل هویت بخش جامعه‌ای هستند که به آن‌ها معتقد است. یکی از مهمترین زمینه‌ها، تظاهر و جلوه این ارزش‌ها در معماری و شهر است. وجوه فرهنگی در معماری و شهرسازی، موجد کیفیتی در محیط است که بیانگر وجهی از «هویت» جامعه واجد آن فرهنگ می‌باشد. بنابراین فرهنگ با معماری و شهرسازی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. اولاً، فرهنگ جامعه بر شیوه زیست و فعالیت‌های انسان و بالتجیه بر روند خلق فضا تأثیر مستقیمی دارد. ثانیاً، معماری و شهرسازی تأثیرات



- ۳- باقری بهشتی، شیوا، (۱۳۸۵)، زیباشناسی شهری، معیار و روش‌ها
- ۴- پیران؛ پرویز، (۱۳۸۵)، شهرهای جدید، بی‌تاریخ و بدون هویت مسئله هویت یابی
- ۵- تقی‌زاده؛ محمد، (۱۳۸۶)، ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول
- ۶- تیبالذر؛ فرانسیس (۱۳۸۳)، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، چاپ اول
- ۷- تاجبخش؛ کیان، (۱۳۸۶)، آرمان شهر، فضا، هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر، تهران، نشر نی
- ۸- حائری، محمدرضا (۱۳۷۰)، «رنگ باختن شهر تاریخی در بی‌رنگی تاریخ رشدشهری»، آبادی، سال دوم، شماره ششم
- ۹- فرید؛ بداله، (۱۳۸۲)، جغرفیا و شهرشناسی، دانشگاه تبریز، چاپ پنجم
- ۱۰- کوپر مارکس؛ کارل و دیگران، (۱۳۸۷)، ترجمه رحمان تفهیمی، مروری بر فرایند طراحی در فضاهای کوچک شهری، مجله شهرنگار، شماره ۴۸، سال هشتم
- ۱۱- رهنمای؛ محمدتقی، شاه حسینی؛ پروانه، (۱۳۸۷)، فرایند برنامه‌ریزی شهری ایران، تهران، سمت، چاپ پنجم
- ۱۲- زیاری؛ کرامت اله، (۱۳۸۳)، برنامه‌ریزی شهرهای جدید، تهران، سمت، چاپ چهارم
- ۱۳- عمید؛ حسن، (۱۳۷۳)، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۴- لنین؛ کوین، (۱۳۷۶)، تنوری شکل خوب شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- ۱۵- مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، (۱۳۸۵)، انتشارات مسکن و شهرسازی، چاپ اول
- ۱۶- مدنی‌پور؛ علی، (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش در برنامه‌ریزی شهری
- ۱۷- معین؛ محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- ۱۸- معینی؛ سیدمحمد مهدی، (۱۳۸۵)، جایگاه سفرهای پیاده در شهرهای جدید، مدیر مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران
- ۱۹- میرمقتدایی؛ مهتا، طالبی؛ ژاله، (۱۳۸۵)، هویت کالبدی شهر مطالعه موردی تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، چاپ اول
- ۲۰- وزارت مسکن و شهرسازی، (۱۳۷۳)، شهرهای جدید فرهنگی در شهرنشینی، مجموعه سخنرانی‌های ایراد شده در کنفرانس بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، چاپ اول

21-<http://www.akcity.govt.n2/auckland/economy/ulban/sense-of-place-pdf>

22-www.man2ar.ws.bay.livefilestore.com/ylpowpnuqxgbcyini

پی‌نوشت:

1- Email:MEHRIAZNI@yahoo.com

2-Email:Z.Mehdizadeh@yahoo.com

3-<http://www.akcity.govt>

4-(WWW.MANZAR WS)

5-Jane Jacobs

کل منسجم بحث می‌کند. این کل به احتمال زیاد از اجزای متعددی تشکیل شده، اما اگر آن‌ها قادر نباشند یک مکانیسم واحد به وجود آورند، تناقص و دوگانگی به وجود خواهد آمد. استفاده از یک الگوی کل‌گرا برای درک ارتباط میان اجزا در هر شهری بویژه شهرها و شهرهای جدید ضروری است.

- اگرچه دنبال کشف علت ماندگاری محیط‌های قدیمی هستیم باید در شهرهای جدید در راستای ساخت بناها و فرم عرصه‌های شهری به گونه‌ای بکوشیم که ضمن ایجاد بناهایی با کیفیت سنتی و ارزشمند این ساختمان‌ها امروزی نیز باشد و مردم را در شهرهای جدید با هویت‌های سنتی و قبلی خود پیوند دهد. در آن‌ها حس مکانی و تعلق به مکان را ایجاد نماید و با مشارکت دادن بیشتر ساکنین و گرفتن ایده برای طراحی در ساخت و سازهای شهری و یا انجام مطالعاتی اجتماعی - فرهنگی از مردمی که قرار است در این شهرها اسکان نمایند. طراحی فضاها و بناهای شهری را با توجه با فرهنگ ساکنین آن صورت بخشیم تا در هنگام اسکان ساکنین، احساس غربت و بی‌هویتی نکرده، در جهت پویایی هر چه بیشتر شهر تلاش نموده و آن را از محیطی خوابگاهی به محیطی فعال و بومی و لذت بخش تبدیل نمایند. تنها در سایه چنین تفکری است که شهرهای جدید می‌تواند هویت ماندگار و پایداری را در شهروندان خویش ایجاد کند. با کاربرد راهکارهای زیر می‌توان در شکل‌گیری هویت شهرهای جدید گام‌های ارزنده‌ای را برداشت.

- اصلاح و بازنگری قوانین شهرداری و تقویت ارتباط آن‌ها با ساختار کالبدی و الگوهای سنتی شکل‌گیری ساختمان در محله‌ها.

- تفکیک شهر به محله‌هایی با تشخیص و هویت خاص خود.

- تأکید بر نقش امکان ارتباطی و مکان‌های اجتماعی چون فضاهای سبز و فرهنگی چون مسجد به عنوان یک عنصر شاخص و نشانه شهری در منظر کلی شهر.

- تدوین روش طراحی شهری مناسب برای حفظ و تداوم ارتباط میان ارکان سه گانه شهری ایرانی، مرکز مذهبی، مرکز تجاری و مرکز حکومتی-اداری.

- اجرای مراسم و آیین‌هایی که موجب آشنایی افراد با یکدیگر و ایجاد روابط اجتماعی در شهرها می‌شود. اگر این مراسم در روزهای تعطیل و در مکان‌های پر طراوت و شاد شهری با اطلاع رسانی قبلی صورت گیرد می‌تواند برای شهروندان مهیج بوده و جاذبه ماندگاری را در شهر افزایش دهد.

- فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، بویژه در محلاتی که زندگی می‌کنند، تا احساس تعلق بیشتر را برای زندگی در محله‌ای که در آن زیست می‌نمایند فراهم نماید.

شهرهای جدید برای انسان ساخته می‌شوند و کلیه برنامه‌ریزی در این شهرها باید با توجه به سلاقی و جغرافیای رفتاری انسان‌ها شکل گیرد زیرا احترام به موجود انسانی مهم‌ترین شاخص هویت بخشی به شهر جدید است.

منابع و مآخذ:

- ۱- اعتماد، گیتی (۱۳۸۰)، «آینده شهرسازی ایران» مجله معماری و شهرسازی، شماره‌های ۶۲ و ۶۳ دوره نهم
- ۲- ایرانمنش، شیوا، (۱۳۸۵)، عرصه‌های عمومی، عرصه‌های فراموش شده در شهرهای جدید